

**"An Introduction to the Causes and Backgrounds of the Growth
and Prosperity of Historiography in the Period of the Mamluks**

Sultans (923-648)"

Mohammad Qazvini Nazm Abadi¹

Received: 2020/12/16 | Accepted: 2021/02/27

(DOI): [10.22034/SKH.2021.11249.1224](https://doi.org/10.22034/SKH.2021.11249.1224)

promotional Article
P 47 - 62

Abstract

Islamic historiography with a great growth in the Abbasid era, doubled in the Mamluks period, so that this period in Egypt and the Levant should be considered the peak of Islamic historiography. Writing hundreds of books with many volumes in various historiographies, especially in the fields of public, local, dynastic and... shows this issue. No period in the history of Islam has witnessed all these works in the field of historical knowledge. The main question of this research is: Why was historiography so important in the period of Mamluks sultans (648-923 AH)? The findings of this study indicate that the long Crusades as well as the war between Mongols and the Mamluks were very effective in this regard. By writing their books, Muslim historians portrayed the great and brilliant victories of the Mamluks sultans against the eastern and western enemies of Islam for the future. Encouragement of Mamluks Sultans and rulers and some other factors that are the subject of this article have also been very effective in this regard. The study method used in this research is descriptive-analytical with reference to first-hand sources as well as looking at the studies and researches and referring to the library and digital sources.

Keywords: Islamic historiography, Mamluk sultans, Crusaders, Mongols.

¹ - PhD of Islamic History, researcher. Ghazvini 1377 @ gmail.com

درآمدی بر علل و زمینه های رشد و رونق تاریخنگاری در دوره سلاطین ممالیک (۶۴۸ - ۹۲۳ هـ)

محمد قزوینی ناظم آبادی^۱

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/SKH.2021.11105.1214

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۹/۲۶ | تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۰۹

نوع مقاله: ترویجی

ص ۶۲/۴۷

چکیده

تاریخنگاری اسلامی که در عصر عباسی بسیار رشد پیدا کرده بود در دوره ممالیک رشد مضاعفی پیدا کرد به گونه ای که باید عصر این سلاطین را در مصر و شام اوج تاریخنگاری اسلامی دانست. نگارش صدها کتاب با مجلدات فراوان و حجیم در انواع تاریخنگاری و به ویژه در زمینه های تاریخ های عمومی، محلی، دودمانی و . . . بیانگر این موضوع است. هیچ دوره ای از تاریخ اسلام شاهد این همه آثار در زمینه دانش تاریخ نیست.

سوال اساسی این پژوهش این است که: چرا در دوره سلاطین مملوکی (۹۲۳-۶۴۸ هـ) تاریخنگاری این همه مورد توجه قرار گرفت؟

یافته های این تحقیق حاکی است جنگهای طولانی صلیبی و همچنین مغولان با ممالیک در این زمینه بسیار تاثیر گذار بوده است. مورخان مسلمان با نگارش کتابهای خود پیروزی های بزرگ و درخشان سلاطین مملوکی را در برابر دشمنان شرقی و غربی اسلام برای آینده گان به تصویر کشیدند. تشویق و ترغیب سلاطین و امرای مملوکی و بعضی دیگر از عوامل که موضوع این مقاله است نیز در این زمینه بسیار موثر بوده است.

^۱ - دکترای تاریخ اسلام، محقق و پژوهشگر. Ghazvini 1377@ gmail.com

روش مطالعه مورد استفاده در این تحقیق، توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع دست اول و نیز نگاه به نوشته های مطالعات و تحقیقات و با مراجعه به کتابخانه و منابع دیجیتال است. **واژه های کلیدی:** تاریخنگاری اسلامی، سلاطین مملوکی، صلیبیون، مغولان.

مقدمه

عنایت به تاریخنگاری در عصر مملوکی بسیار قابل توجه بوده، به گونه‌ای که این دوره را باید اوج دوران تاریخنگاری اسلام دانست. با هجوم گسترده مغولان به سرزمین‌های اسلامی در نیمه قرن هفتم هجری و به خصوص با سقوط بغداد، مراکز علمی و فرهنگی شرق اسلامی ویران گشت و بسیاری از علما و دانشمندان مسلمان به ناچار به مناطق تحت حاکمیت دولت مالیک یعنی شام و مصر که از امنیت نسبی برخوردار بودند پناه بردند. این مناطق مملو از مدارس، کتابخانه‌ها، مساجد بودند. بنابراین شهرهای شام مانند: دمشق، حلب، حمّاه، حُص و... و شهرهای مصر نظیر: قاهره، اسکندریه، فیوم، اسیوط و... محل توجه و تجمع عالمان و اندیشمندان مسلمان گشت و تا چند قرن مهد علوم و دانش گشت به گونه‌ای که قرن‌های هشتم و نهم هجری را باید عصر نهضت دوم طلایی (قرون الذهبیه الثانیه) فرهنگ و تمدن اسلامی نامید. در این عصر آثار سودمندی در تمام زمینه‌های علمی به خصوص علوم انسانی نگاشته شد و دانشمندان برجسته‌ای ظهور کردند که آثار ارزشمند و بزرگی از خود به یادگار گذاشتند.

توجه به تاریخنگاری به دلایلی که در این مقاله به آنها خواهیم پرداخت، بسیار قابل توجه بوده است به شکلی که هیچ دوره از تاریخنگاری اسلامی شاهد این همه آثار و منابع ادبی و تاریخی به ویژه در عرصه نگارش‌های تاریخی نیست و حقیقتاً در روزگار مالیک تاریخ مورد توجه قرار گرفت. در این دوره شاهد نگارش انواع آثار تاریخی هستیم که سه نوع از همه بیشتر مورد توجه مورخان و نویسندگان مسلمان قرار گرفت. که شامل: تواریخ عمومی، تواریخ محلی و

فرهنگنامه‌های تاریخی می‌باشد.

پیشینه تحقیق:

با جستجوی در منابع لاتین (انگلیسی)، عربی و زبان فارسی معلوم گردید که تا کنون هیچ پژوهشی تحت عنوان این مقاله یعنی "درآمدی بر علل و زمینه‌های رشد و رونق تاریخنگاری در دوره سلاطین مملوکی" نام نشده است. تنها در بعضی از نوشته‌های مطالعات و تحقیقات به شکلی گذرا و هر چند از گاهی به یک یا حد اکثر دو علت گسترش و رونق تاریخنگاری این دوره اشاره شده است، که در ادامه به مهمترین آنها اشاره می‌کنیم. این مقاله در موضوع و نوع خود نخستین اثر در این باره است که امید است به عنوان مقدمه‌ای، باب تحقیق بیشتر برای آیندگان را فراهم کند.

۱. دونالد پی. لیتل مستشرق آمریکایی در کتاب خود (Donald P. Little, (1986),

Historiography of the Mamluks, VARIORUM REPRINTS, London.

(ضمن پرداخت مبسوط به تاریخنگاری دوره ممالیک، بدون اینک وارد بحث علل رونق تاریخنگاری دوره ممالیک شود، تنها به شکل گذرا اشاره می‌کند که عوامل سیاسی، فرهنگی و روانی دوران بحران یعنی حملات صلیبی‌ها، مغولان در این زمینه مؤثر بوده است و معتقد است که مسلمانان به دنبال حفظ هویت فرهنگی و اسلامی خود برآمدند و به دیگر علل و زمینه‌های موثر اشاره نمی‌کند.

۲. شاکر مصطفی مورخ معاصر مصر که کتاب پنج جلدی وی "التاریخ و المورخون" در زمره تاریخنگاری اسلامی در حال حاضر جامع‌ترین و کامل‌ترین کتاب در این زمینه قلمداد می‌گردد و نویسنده در آن به شکل روایی و تا اندازه‌ای هم به روش انتقادی به بررسی، معرفی و تحلیل تاریخنگاری اسلامی از آغاز تا دوران معاصر پرداخته است، بدون اینکه به دلایل میل به نوشتن تاریخ در این زمان اشاره کند، فصول بیست و دوم، بیست و سوم و بیست و چهارم از جلد سوم کتاب خود را به ویژگی‌های تاریخنگاری دوره ممالیک اختصاص داده است و تنها در خلال مباحث خود و به شکل جسته و گریخته، خواهش و تقاضای سلاطین و امرا، عنایت و حمایت گسترده علمای دین شامل محدثین، مفسرین، فقها، قضات و سرانجام جنگ‌های این دوره را در این باره دخیل می‌داند.

۳. علی غفرانی در مقاله "مروری بر منابع تاریخی دوره ممالیک"، مندرج در مجله "

مقالات و بررسی ها "، ۱۳۷۸، دفتر ۶۴. تنها به معرفی و نقد تاریخنگاری این دوره پرداخته است و تاکید می کند که در این دوره آثار متعدد و ارزشمندی به رشته تحریر در آمده است و معتقد است که بیشترین آثار تاریخی جهان اسلام مربوط به این زمان می شود و هیچ دوره ای به اندازه این دوره شاهد کثرت آثار تاریخی نیست. نقد وارد به این پژوهش این است که ابتدا به علل و زمینه های این موضوع نپرداخته و بابتی در این مساله نگشوده است.

۴. محمد قزوینی نظم آبادی، محمد علی چلونگر و مصطفی پیر مرادیان در مقاله " پژوهشی در فرهنگنامه های تاریخی نوشته شده در قلمرو ممالیک " مندرج در مجله علمی - پژوهشی " پژوهش های تاریخی " دانشگاه اصفهان در شماره پیاپی ۳، پاییز ۱۳۹۳ که همان گونه که از عنوان آن بر می آید به بررسی و نقد فرهنگنامه های نوشته شده در دوره ممالیک پرداخته و بدون اینکه به موضوع این مقاله وارد شود، تنها در لابه لای مطالب خود به بعضی از زمینه ها، علل توسعه و رونق تاریخنگاری این دوره همانند جنگهای صلیبی، هجوم مغولان و تشویق سلاطین به تاریخ نویسی، بطور مختصر اشاره می کند.

۵. اصغر قائدان در مقاله " تاریخنگاری نظامی عصر اسلامی از آغاز تا پایان عصر ممالیک " چاپ شده در نشریه " پژوهشنامه تاریخ اسلام " شماره ۳۳ در بهار ۱۳۹۸، جنگهای طولانی صلیبی و همچنین مغولان علیه ممالیک را از علل اصلی توجه به تاریخنگاری نظامی در این دوره بر می شمرد و از آنجا که موضوع مقاله چیز دیگری است به هیچ وجه وارد علل و زمینه های تاریخنگاری این دوره نمی شود.

علل و زمینه های رشد تاریخنگاری در عصر سلاطین مملوکی

بعضی از مورخان معاصر و مستشرقان فعال در زمینه تاریخنگاری اسلامی معتقدند که این دوره اوج و عصر طلایی تاریخنگاری اسلامی است و به حق در این دوره تاریخ مورد توجه جدی قرار گرفت (عبدالفتاح عاشور، ۱۹۹۷، ۲۹۵؛ Little, 1986, P.P. 190-195). بیش از شصت در صد آثار تاریخی جهان اسلام در این دوره نوشته شده و به تعبیری هیچ دوره ای به اندازه این دوره شاهد کثرت آثار تاریخی نیست (نک: غفرانی، ۱۳۷۸، ۲۵۵). ما در این پژوهش انگیزه ها، علل و زمینه های این مساله را مورد بررسی و نقد قرار می دهیم. به نظر می رسد که علل و

عوامل زیر در این باره بسیار تاثیر گذار بوده است، که با توجه به اهمیت و نقش آنها، تحت سه مقوله: سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به بررسی و نقد این علل و عوامل می پردازیم.

۱. عوامل سیاسی

الف. جنگ‌های صلیبی و هجوم مغول

حملات صلیبیون به شام و گاهی مصر و نیز هجوم مغولان به قلمرو اسلامی از جمله فروپاشی خلافت عباسی و سقوط بغداد در نیمه قرن هفتم در گسترش تاریخنگاری این دوره، به خصوص در زمینه تواریخ دودمانی، تک‌نگاری درباره فرمانروایان و خاندان، تواریخ عمومی و نیز تاریخ محلی تأثیر زیادی داشت. برای مثال دوره سلطان بیبرس به تنهایی شاهد بیش از سی و هشت جنگ با صلیبیون و مغولان است (میکل، ۱۳۸۱، ج ۱، ۳۴۳). قطعاً باید تصویر حوادث این جنگها، دلاوریها و کاردانی سلاطین و امرای این دوره به نسلهای بعد منتقل می‌گشت. به همین جهت برخی از نویسندگان آثار متنوع تاریخی این دوره به دلیل حسّ وظیفه و علاقه شخصی به نگارش حوادث این برهه پرداخته‌اند. به گفته مورخ مصر، این دوره پر از حوادث و وقایع داخلی و خارجی و مملوّ به وجود مردان و قهرمانان نقش‌آفرین است و آیا غیر از تاریخ باید به نسبت این حوادث و گزارش قهرمانان و حکام شجاع آن که اقدامات مهمی برای اسلام انجام دادند مبادرت کند (عاشور، ۱۹۷۷، ۴۱۶).

تمرکز بسیاری از مورخان بر جنگها، و حوادث سیاسی و تمایل به زبانی ساده به جای عربی کلاسیک در نگارش آثار خود مؤید احساس وظیفه در نزد آنها است (LIGUO, 1997, 1, P.31). لیتل مستشرق آمریکایی در پاسخ به این سؤال که چرا تاریخنگاری در این زمان رشد کرد، عوامل سیاسی، فرهنگی و روانی دوران بحران یعنی حملات صلیبی‌ها، مغولان را در این زمینه مؤثر داشته است و معتقد است که مسلمانان به دنبال حفظ هویت فرهنگی و اسلامی خود برآمدند (Little, P.28؛ همچنین نک: موسی‌پاشا، ۱۴۰۹ هـ: ۲۱؛ امیری، ۱۳۸۷، ۱۰). آندره میکل مستشرق آلمانی نیز در باب انگیزه میل به تألیف فراوان آثار ادبی و از جمله کتب تاریخ بر این نظرات که تمام ادبای آن عصر از آنجایی که پی بردند فرهنگ و تمدن اسلامی در خطر (هجوم مغول و صلیبیون و... است) شروع به تدوین دستاوردهای تمدنی خود کردند و چون این امر بر ما روشن شد دلیل این همه توجه به تألیف بر ما روشن می‌شود و به همین جهت شاهد نگارش فرهنگنامه‌های تاریخی، موسوعه‌ها، انواع کتب تاریخ و... می‌باشیم (موسی‌پاشا، ۱۴۰۹، ۲۱ و ۷۴).

به بعضی از منابع عصر مملوکی که سبب تألیف آنها حملات صلیبیون و مغولان بوده، به عنوان نمونه اشاره می کنیم:

الف. «تاریخ الظاهر بیبرس» نوشته عزالدین محمدبن شداد (د. ۶۸۴ هـ). مؤلف که از دولتمردان سلطان بیبرس و سلطان منصور قلاوون سلاطین مشهور ممالیک بحری است، مشاهدت خود را از هنگام جنگ و درگیری سلطان بیبرس با مغولان و صلیبیون در این کتاب ثبت کرد. از تألیفات مهم دیگر او الاعلاق الخطیره فی ذکر امرا الشام و جزیره است.

ب. «الروض الزاهر فی سیره الملك الظاهر» نوشته ابن عبدالظاهر (د. ۶۹۲ هـ) کاتب دیوان انشاء سلطان قطز و بیبرس. نویسنده در این کتاب به شرح تلاش های بیبرس در مقابله با صلیبیون و مغولان پرداخته است

ج. «الإمام بالاعلام فیما جرت به الاحکام و الامور المقضیه فی وقعه الاسکندریه» نوشته محمدبن قاسم بن محمد نویری (د. ۷۷۵ هـ). مؤلف در سال ۷۶۷ شاهد یکی از عظیم ترین حوادث شهر اسکندریه در طول تاریخ خود یعنی حملات صلیبیون قبرسی به آن، کشتار، غارت اموال و اسارت شمار زیادی از اهالی آن بوده است. وی با هدف ثبت مشاهدت، شنیده ها و خاطرات خویش از این حملات به اسکندریه و پیامدهای آن در زندگی مردم اقدام به نگارش کتاب مذکور کرده است.

د. «تشریف الايام و العصور فی سیره الملك المنصور». کتابی دیگر از ابن عبدالظاهر درباره اقدامات سلطان منصور قلاوون ضد صلیبیون به ویژه شکست آنها در طرابلس و شام.

ب. تشویق سلاطین، وزرا و امرای ممالیک.

چنین به نظر می رسد که تشویق و ترغیب های دولتمردان حکومت ممالیک که بی شک از علل این توجهات نشان دادن شایستگی های سیاسی خود بوده، در این زمینه نقش بسزایی داشته است. گیب معتقد است همان حمایت هایی را که ایوبیان نسبت به تاریخنگاری داشتند توسط جانشینان آنان یعنی ممالیک ادامه یافت (گیب، ۱۳۶۱، ۳۴). سلطان بیبرس ۱ (۶۷۸-۶۵۸ هـ) از

۱- هر چند بیشتر آثار مطالعات و تحقیقات نام این سلطان ممالیک را بیبرس ضبط کرده اند اما مورخ ابن تبری بردی که خود از طبقه ممالیک است آن را بیبرس به معنی امیر فهد (مریی بوزپلنگ) ضبط کرده است. ابن تبری بردی، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، مطبعة دارالکتب المصریه، ۱۳۵۵ هـ الجزء الرابع: ۹۴.

سلاطین برجسته و نخستین ممالیک خود به تاریخ و مورخان علاقه زیادی داشت. او همواره از شنیدن تاریخ به عنوان بالاترین تجربه یاد می‌کرد (ابن تغری بردی، بی‌تا، ج ۷، ۱۸۲). سخاوی (د. ۹۰۲) در الاعلان بالتویخ از استادش بدرالدین عیسی یاد می‌کند که برای اشرف برسبای (۸۴۱-۸۲۵) تاریخ می‌خواند یکبار این سلطان مملوکی از شنیدن تاریخ اسلام چنان به وجد آمد که به زبان راند: تنها او اسلام را می‌شناسد (همو، ۱۴۱۳ هـ، ۴۳). همچنین نقل شده است که در اواخر عصر ممالیک سلطان غوری (۹۲۲-۹۰۷) در قلعه قاهره مجالس با اهل علم به ویژه با مورخان تشکیل می‌داد و از آن بهره فراوان می‌برد (عبدالفتاح عاشور، ۱۹۷۷، ۴۱۷؛ عمر فوزی، ۱۴۲۵، ۲۸۶). این چند مورد تنها نمونه‌هایی از عنایت سلاطین مملوکی به تاریخ است و قطعاً مصادیق آن بیشتر است. طبیعتاً این علاقه و میل به تاریخ موجب تشویق بسیاری به نگارش انواع تاریخنگاری می‌گردید. نقش دولت ممالیک تنها محدود به ترغیب نبود بلکه بعضی از ممالیک مانند ابن‌ایبک دواداری (د. ۷۳۶ هـ) صاحب «کَنْزُ الدُّرَرِ وَ جَامِعُ الغُرَرِ»، بیسر منصور (د. ۷۲۵ هـ) مؤلف «زبده الفکر» و «مختار الاخبار»، ابن تغری بردی (د. ۸۷۴ هـ) صاحب تألیفات مهمی مانند «النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره» و «المنهل الصافی» و ابن‌ایاس (د. ۹۳۰ هـ) مؤلف «بدائع الزهور» و... خود از امراء، فرزندان امرای مملوکی یا حداقل از طبقه و نژاد آنها به حساب می‌آمدند. این دسته از مورخان مملوکی را که ابناء الناس می‌گفتند به جهت تأمین بودن و فراخی روزی تاریخ را وسیله‌ای برای پر کردن اوقات خود برگزیده بودند (شاکر، ۱۹۹۰، ج ۳، ۱۸ و ۹۸). بهر حال بعضی از منتسبین به آنها در زمینه گسترش تاریخنگاری نقش مهمی ایفا کردند. آنها کتابهایی به ویژه در تاریخ نوشتند که کتابخانه‌های اسلامی در طی قرون متمادی به آنها افتخار خواهند کرد (عاشور، ۱۹۷۷، ۴۱۸). درخواست بعضی از سلاطین، امراء و دولتمردان ممالیک از مورخان عصر خود برای نگارش تاریخ را هم باید در همین راستا بررسی کرد. بعضی از مورخین اعتراف کرده‌اند که کتاب را به خواهش فلان شخصیت مملوکی نوشته است. ابن تغری بردی هر چند در ابتدای کتابش می‌نویسد که النجوم الزاهره را به درخواست امیر یا سلطانی نوشته است بلکه برای دل خود نوشته (همو، بی‌تا، ج ۱، ۲) در جایی دیگر از کتابش اعتراف کرده آن را به تقاضا سلطان المرجو محمد بن جَمَقْ نوشته تا مانند العینی عمل کرده باشد زیرا او کتابش عَقْدُ الجَمَانِ باخبار الزمان را برای سلطان برسبای نوشته بود. (زیاده،

۱- اصطلاحی رایج در عصر ممالیک به معنی فرزندان امیران ممالیک (شاکر، ۱۹۹۰، ج ۳، ۱۶۹؛ عبدالفتاح عاشور، ۱۹۷۷، ۴۲۱).

۱۹۴۹:۱۵۴۴؛ Popper, 1986, I, P.138). سخاوی به صراحت می گوید که کتابش «التبر المسبوك فی ذیل السلوك» را در پاسخ به تقاضا امیر یسبک بن مهدی الدوادار نوشته است (همانجا). ابن کثیر مورخ و محدث شامی و صاحب کتاب تاریخی حجیم البدایه و النهایه فی التاریخ، کتاب "الاجتهاد فی طلب الجهاد" را که در زمینه تاریخنگاری نظامی و جنگهای مسلمین با صلیبیون در قر هشتم هجری است به خواهش امیر منجک بن عبدالله سیف الدین الیوسفی نائب حکومت مملوکی در شام و برای تحریض مسلمانان به جهاد علیه صلیبیون نوشت (نک: ابن کثیر، ۱۹۸۱، ص ۳۵ مقدمه و ص ۵).

۲. عوامل فرهنگی

الف. حمایت علمای دین از تاریخ

از آنجایی که تاریخ از دیدگاه بعضی علمای این دوره به ویژه محدثان و فقههای علوم اسلامی کمک یار و مکمل دین بود (شاگرد، ۱۹۹۰م، ج ۳، ۱۹) و حدیث و تاریخ دو علم متلازم با هم در روایت اسلام به حساب می آمدند مورد علاقه و حمایت برخی از محدثان، فقهاء، قراء، مفسرین و قضات قرار گرفت. ذهبی، ابن حجر، ابن کثیر، کفییجی، سخاوی، سیوطی و... عالمان برجسته دین و محدثان عصر خود، تاریخ را همتراز حدیث به شمار می آوردند سخاوی معتقد است که تاریخ و علم حدیث اهمیت یکسانی دارند و هم ارجی آنها آشکار است. تنها تاریخ است که (بر صحت و اهمیت) حدیث حکم می کند و تاریخ فنی است از فنون حدیث نبوی و مقام مهمی در علم دین دارد و برای احکام شرع قطعاً مفید است. (سخاوی، ۴۴، ۱۴۱۳ و ۴۵؛ روزنتال، ۱۳۶۵، ج ۱، ۵۴ و ۵۸).

بنابراین افراد نام برده و افرادی چون ذهبی (د. ۷۴۸) مقریزی (د. ۸۴۵ هـ) و سیوطی (د. ۹۱۱ هـ) که آثار ارزشمندی در تاریخ تألیف کردند همانند پیشینیان خود طبری و ابن اثیر هم محدث و هم مورخ بودند. مورخ معاصر معتقد است که دو دسته در گسترش تاریخنگاری این عصر (عصر ممالیک) بسیار سهیم بودند: یکی علمای دین یعنی محدثین، فقهاء، قضات، مدرّسین و گروه دوم

کارگزاران دولت مملوکی خصوصاً کتاب دیوان انشاء و ابناء الناس ۱ و کمتر مورخی را می‌توان دید که به یکی از این دو وابسته نبوده باشد. اما بیشترین نقش را در این میان علمای دین داشتند ۲ (شاکر، ۱۹۹۰م، ج ۳، ۱۸؛ همچنین نک: عمر فوزی، ۱۴۲۵، ۲۸۶).

برای نشان دادن اهمیت و جایگاه تاریخ نزد علمای این عصر و حمایت بعضی از ایشان، بخشی دیگر از سخنان سخاوی را که الاعلان بالتبویخ لمن ذم اهل التاریخ که در نکوهش منتقدان به تاریخ نوشته، نقل می‌کنیم: اشتغال به تاریخ یکی از پر قرب و منزلت‌ترین کارهای علما به شمار می‌رود. در واقع تاریخ یکی از علوم واجب شمرده می‌شود. هر صاحب عقلی در می‌یابد که جای این علم پس از احکام پنجگانه جاری (احکام خمسہ دین اسلام، از وجوب تا حرمت) است (سخاوی، ۱۴۱۳ هـ، ۵).

بعضی از مهمترین منابع تاریخی نوشته شده توسط این علمای دین به این قرارند: الدر الکامنه، فرهنگنامه تاریخی اعیان قرن هشتم، انبا الغمر تاریخ دولت مالیک، الاصابه و تمییز اسماء الصحابه، رفع الاصر عن قضاه مصر (ابن حجر عسقلانی)، تاریخ الاسلام و طبقات مشاهیر، دوول الاسلام، سیراعلام النبلاء، تذکره الحفاظ (ذهبی)، البدایه و النهایه، طبقات الشافعیه، قصص الانبیاء، السیره، الاجتهاد فی طلب الجهاد در تاریخ نظامی (ابن کثیر شامی)، حسن المحاضره تاریخ محلی و دودمانی مصر، تاریخ الخلفاء، الشماریخ فی علم التاریخ در اهمیت تاریخنگاری، نظم العقیان فی اعیان الاعیان در شرح حال اعیان مسلمان قرن نهم، تاریخ السیوط تاریخ محلی شهر السیوط مصر، تاریخ السلطان الاشرف قایتبای، الکاوی فی تاریخ سخاوی (سیوطی)، المختصر فی علم التاریخ در تاریخنگاری اسلامی، اهل البغی و الفتنه (کافیجی)، الروض الباسم شرح سفرها، غایه السؤل فی سیره الرسول، نزهه السلاطین فیمن ولی ملک مصر، القول الجزم فی تاریخ الانبیاء، المجمع المفتن در شرح حال اعیان مسلمان قرن نهم (عبد الباسط حنفی ملطی)، الاعلان بالتبویخ لمن ذم اهل التاریخ، التبر المسبوک در تاریخ دولت مالیک، الضوء الالامع در تراجم رجال قرن نهم هجری، التحفه اللطیفه فی تاریخ المدینه الشریفه در تاریخ شهر پیامبر اعظم "ص" (سخاوی) و ...

۱- اصطلاحی به معنی همان اولاد الناس که پیشتر به آن اشاره کردیم.

۲- گیب نیز علت مهم گسترش تاریخ‌نگاری در دوره پیش از مالیک یعنی ایوبیان را حمایت‌های علمای دین برشمرده است. هامپلتون گیب، «تطور تاریخ‌نگاری در اسلام»، تاریخ‌نگاری در اسلام (مجموعه مقالات)، ترجمه یعقوب آژند، تهران، گستره، ۱۳۶۱، ۴۳.

ب. کسب شهرت به دلیل توجه به مورخان

در عصر ممالیک مورخان بسیاری نزد مردم و محافل علمی از شهرت و منزلت بالایی برخوردار بودند؛ به نظر می‌رسد بعضی با نوشتن تکمله، ذیل و تلخیص در ارتباط با آثار آن مورخان، سعی داشتند تا اشتها را برای خود نیز به دست آورند و این در مورد مورخان قرن نهم هجری بیشتر صدق می‌کند آنان با مرتبط ساختن آثار خود به تألیفات مورخان برجسته گذشته به این کار دست می‌یافتند و خود را وارث آن مورخان گذشته معرفی می‌کردند. به احتمال زیاد آنان از این طریق احترام و توجه مردم را نسبت به خود جلب می‌کردند (زیاده، ۱۵۴۴، ۱۹۴۹). البته باید مقریزی (د. ۸۴۵) را از این موضوع جدا دانست زیرا آثار او منحصر به فرد و ذیل، تکمله و تلخیص هیچ اثری نیستند. برای مثال ابن تغری بردی کتاب «حوادث الدهور فی مدی الایام و الشهور» را ذیل کتاب «السلوک لمعرفة دول الملوک» مقریزی استاد خود نوشت تا زعامت وی بین مورخان قرن نهم را نصیب خود سازد. او به هدف خود رسید زیرا به زعم بعضی بعد از اینکه مقریزی به سال ۸۴۵ و عینی به سال ۸۵۵ در گذشته دیگر کسی یافت نمی‌شد که در بین مورخان با او رقیب و یا همسنگ باشد (محمود عبدالنایم، ۱۹۹۶، ۱۹؛ Popper, 1986, I, P.138). سخاوی (د. ۹۰۲) کتاب «التبر المسبوک فی الذیل السلوک» را به عنوان دومین کتاب در ذیل «السلوک لمعرفة دول الملوک» مقریزی (د. ۸۴۵) نگاشت. سخاوی اثرش «الذیل المتناهی» را به عنوان تکمله کتاب ابن حجر «قضاء مصر» نوشت. ابن تغری بردی نیز کتابش «المنهل الصافی» را ذیل کتاب «الوافی بالوفیات» صفدی (د. ۷۶۴) مشهور قرار داد (زیاده، ۱۹۴۹، ۱۵۴۴).

ج. نیاز ممالیک به کتاب و دیوانیان زبردست

امپراطوری گسترده و طولانی ممالیک (حدود سه قرن) بعد از انتقال مرکز فرهنگ و سیاست از بغداد به مصر و به دنبال آن احیای خلافت عباسی در قاهره نیازمند به کتاب در دیوانهای گوناگون بود. بسیاری از مورخان بارز این عصر از میان کتاب دواوینی دولت مملوکی به ویژه دیوان انشاء ظهور کردند. این دیوانیان در تاریخنگاری این عصر بویژه موسوعه نویسی

تأثیرگذار بودند (شاکر، ۱۹۹۰، ج ۳، ۸۲). نُویری (د. ۷۳۲ هـ) صاحب «نَهَائَةُ الْأَرْبِ فِي نَهَائَةِ الْأَدَبِ» عمری (د. ۷۴۹ هـ)، صاحب «التعريف بالمصطلح الشريف» و نیز «مسالك الابصار» و قَلَّقَشَنَدِي مؤلف «صُبْحُ الْأَعْيُنِ» در زمره آنها می‌باشند. امتیاز آثار این مورخان نسبت به برخی از آثار مشابه دیگر به این بود که آنها بر بسیاری از مدارک، اسناد، شواهد فرمانها، نامه‌ها و... دسترسی داشتند این عصر را باید دوره رونق موسوعه‌نویسی و کتابهای جامع دانست (داداش‌نژاد، ۱۳۸۸، ۵۵). بیبرس منصوری، عُمَرِي، صَفَدِي، مَقْرِيَزِي، قَلَّقَشَنَدِي و... مدتی از عمر خود را در دواوین این دولت سپری کردند (نک: علی ابوزید مقدمه اعیان العصر، ۱۴۱۸، ج ۱۸؛ محمود عبدالناجم، ۱۹۹۶، ۶ و ۱۲).

د. سهولت نگارش کتب تاریخ

چنین به نظر می‌رسد که از دیگر علل وزمینه‌های موجب گسترش تاریخ‌نگاری در مقایسه با دیگر علوم، یکی هم این علت بود که تألیف در تاریخ مانند نوشتن کتب تفسیر، فقه، نحو و... چندان مشکل نبوده است. دانش تاریخ قیودی مانند جرح و تعدیل را که در حدیث و رجال به کار می‌رود و نیز قیودی را که فقه و تفسیر را احاطه کرده بود، نداشت. کافی بود مورخ معلومات و اطلاعات تاریخی را جمع‌آوری کند و بنگارد. مثلاً در مورد فرهنگنامه‌ها تراجم افراد را اخذ کند و برخی را بر برخی دیگر ترجیح دهد. نیاز زیادی هم به توثیق اطلاعات جمع‌آوری شده یعنی استناد به منبعی هم نبود. مورخان بسیاری خود را در این علم از قیود علوم دین‌رها یافته می‌دیدند، هر چند بعضی از ایشان تاریخ را مکمل علوم دین می‌دانستند (شاکر، ۱۹۹۰، ج ۳، ۱۹).

۵. زوال عصر شکوه اسلامی و نیاز به حفظ و صیانت فرهنگ و تمدن اسلامی.

تهاجم مغول پایان شکوه تاریخ و فرهنگ اسلامی بود. این پایان موجب شد تا بسیاری از مورخین اسلامی به فکر جمع‌آوری و صیانت از آثار تاریخی و فرهنگ و ادبیات این دوره در

۱- درباره موسوعه‌نویسی در عصر ممالک نک: قنبرعلی رودگر، «رواج موسوعه‌نویسی در عصر ممالک»، مجله معارف، آذر و اسفند ۱۳۸۵، شماره ۶۶، ۵۱-۶۵.

قالب تلخیص، تذلیل، تکمله نویسی و... بیافتند و از این جهت علم تاریخ مورد توجه مورخان این زمان قرار گرفت. حاکمان نیز دوست داشتند از تاریخ عصر شکوه اسلامی آگاهی داشته باشند و همین نیز موجب شد تا از تاریخ و تاریخ نویسی دفاع کنند. این دسته حفظ و نگهداری فرهنگ و تمدن اسلامی و از آن میان دانش تاریخ را از نابودی و فنا، چه بواسطه جنگها و حملات دشمنان اسلام مانند مغولان یا صلیبیون و... ویا از حوادث طبیعی مانند: آتش وزی و سیل و... وظیفه دینی خود می دانستند بعضی از نویسندگان و مستشرقان به این مساله تصریح کرده اند (نک: Little, P.28؛ موسی پاشا، ۱۴۰۹ هـ: ۲۱؛ امیری، ۱۳۸۷، ۱۰).

۳. عوامل اقتصادی

الف. کسب درآمد و امرامعاش

بعضی بر این باورند که تاریخنگاری در این دوره یکی از راههای کسب درآمد به حساب می آمد و بعضی با نوشتن کتب تاریخ کسب در آمد می کردند و آنها عمدتاً افرادی بودند که به دستور و درخواست سلطانی سیره او را می نوشتند و در عوض آن درآمد خوبی کسب می کردند. برای مثال نوشته اند ابن الساعی علی بن اُنَجَبُ بغدادی (د. ۶۷۴ هـ) در تاریخ معروف گشت و درآمد زیادی از این راه به دست آورد. محمد بن سعید دوست وی گفته است که او در مقام نوشتن هر جلد کتاب تاریخ از صد تا سیصد دینار دریافت می کرد (روزنتال، ۱۳۶۵، ج ۱، ۷۲). همچنین از آنجا که تاریخ و مورخان از جایگاه بالایی در نزد سلاطین، وزرا و... دولت ممالیک برخوردار بود بعضی از آن به عنوان وسیله ای برای کسب امرامعاش و سطح زندگی بهتر با توجه به شرایط بد زندگی در آن عصر، استفاده کردند رقابت بین درباریان در این باره بیشتر بود و این سبب نگارش آثار هر چه بیشتر تاریخی را فراهم می کرد (Ligu, 1997, 1, P.28). به نظر می رسد تاریخنگاری یکی از علوم پردرآمد در این دوره است زیرا سلاطین به دنبال نشان دادن قدرت خود بودند به همین جهت خواهان افرادی بودند تا شرح رشادهای آنها را بنگارند.

ب. امنیت سیاسی و رونق اقتصادی.

آرامش نسبی سیاسی و نیز رونق اقتصادی را نیز باید در علل و عوامل مؤثر در رشد تاریخنگاری این دوره ذی نفع دانست. بعد از اینکه مغولان در قرن هفتم هجری کتابها را از بین بردند و علما را پراکنده و آواره ساختند مصر و شام از آسیب آنها و نیز صلیبیون به واسطه تأمین امنیتی که از سوی حکومت ایوبی و مملوکی شکل گرفته بود، مصون ماندند در این زمان قاهره، اسکندریه، اسبوط، دمشق حلب و حمص مملو از کتابخانه‌ها، مدارس و مساجد و بازارهای مملو از کالا گردیدند و علما و تجار از سرزمین‌های مختلف به جهت وجود این امکانات و امنیت تأمین شده در این نقاط، به این مراکز مهاجرت کردند و فعالیت علمی و فرهنگی (و اقتصادی) این دوره از این جا آغاز گشت (الفاخوری، ۱۴۲۷ هـ ج ۱، ۱۰۲۶؛ حتی، ۱۳۸۶۸۶۹-۸۷۰). به عقیده عبدالفتاح عاشور مال و ثروت - به تعبیر نویسنده این سطور اقتصاد پویا و شکوفا- که یکی از شرایط و پایه‌های اساسی شکوفایی هر تمدنی است، در گسترش علم و دانش این دوره و از جمله تاریخنگاری مؤثر بوده است (همو، ۱۹۹۷م، ۴۱۵).

نتیجه

از مطالعه موضوع این تحقیق بر می آید که به حق دوره ممالیک، اوج رونق و شکوفایی نگارش انواع و اقسام تاریخنگاری اسلامی است. هیچ دوره ای به این اندازه شاهد نگارش آثار تاریخی نیست. یافته‌های این مقاله نشان می دهد که جنگهای مستمر بین ممالیک و صلیبیون و همچنین مغولان و حکومت ایلخانی مستقر در ایران در این زمینه بسیار تاثیر گذار بوده است. تا ثیر علمای دین بخصوص محدثین، فقها، قضات و فقها که سبب تالیف صدها کتاب در تاریخ اسلام شدند و بیشترین نقش را در توسعه تاریخنگاری این عصر شدند نباید از نظر دور داشت. نویسندگان این عصر به هر انگیزه ای خواه دینی، تعصب ملی، انگیزه های مادی مانند کسب پول یا کسب شهرت و... دست به تالیف این آثار زده اند. امروز کتابخانه های جهان اسلام به وجود این منابع می بالد. تحقیق در تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی به خصوص در دوره میانه بلون این کتابها میسور نیست.

منابع و مأخذ:

- آندره میکل با همکاری هانری لوران، (۱۳۸۱)، اسلام و تمدن اسلامی، ترجمه حسن فروغی، انتشارات سمت.
- ابن تغری بردی، جمال‌الدین، (بی‌تا)، المنهل الصافی و المستوفی بعد الوافی، قاهره.
- _____ (بی‌تا)، النجوم الظاهره فی ملوک مصر و القاهره، مصر، وزارة الثقافة و الارشاد و القومی. دارالکتب المصریة القاهرة.
- ابن کثیر، ابوالفدا، (۱۹۸۱)، الاجتهاد فی طلب الجهاد، موسسه الرساله، بیروت.
- پاشا عمر، موسی، (۱۴۰۹)، تاریخ الادب العربی فی العصر المملوکی، لبنان، بیروت، دارالفکر المعاصر.
- زیاده، محمدمصطفی، (۱۹۴۹)، المورخون فی مصر فی القرن التاسع الهجری (القرن الخامس عشر المیلادی)، قاهره.
- سخاوی، شمس‌الدین، (۱۴۱۳)، الاعلان بالتوبیخ لمن ذمّ التاريخ، بیروت دارالجيل، الطبعة الاولى.
- شاکر، مصطفی، (۱۹۹۰)، التاريخ العربی و المورخون، لبنان، بیروت، دارالعلم للملایین، ج ۳.
- عبدالفتاح عاشور، سعید (۱۹۷۷)، بحوث و دراسات فی تاریخ العصور الواسطی، لبنان، بیروت، جامعه بیروت العربیه.
- الفاخوری، حنا، (۱۴۲۷)، الجامع فی تاریخ الادب العربی، منشورات ذوی القربی، تاریخ الطبع الثالثه، ج ۱.
- فوزی، فاروق عمر، (۱۴۲۵)، التذوین التاريخی عندالمسلمین، مقدمه فی دراسه نشاه علم التاريخ و تطوره حتی بدايه القرن العاشر الهجری / السادس عشر میلادی، الیمن، الامارات العربیه المتحده، مرکز زايد الثرات و التاريخ.
- حتی، فیلیپ، (۱۳۶۶)، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، نشر آگاه.
- داداش‌نژاد، منصور، (۱۳۸۸)، تحلیل تاریخنگاری اهل سنت در موضوع سیره و زندگانی دوازده امام از قرن هشتم تا پایان قرن نهم، پایان‌نامه دکتری رشته تاریخ اسلام، دانشگاه اصفهان.
- روزنتال، فرانتس، (۱۳۶۸)، تاریخ تاریخنگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، انتشارات آستان قدس رضوی، ج ۱-۲.

- زیاده، محمدمصطفی، (۱۹۷۱)، «دراسات عن المقریزی»، نشر الجمعیه المصریه للدراسات التاريخیه، القاهره.
- رودگر، قنبرعلی، (۱۳۸۵)، «رواج موسوعه نویسی در عصر ممالیک»، مجله معارف، آذر و اسفند ۱۳۸۵، شماره ۶۶.
- غفرانی، علی، (۱۳۷۸)، «مروری بر منابع تاریخی دوره ممالیک»، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۶۴.
- گیب، ه. آر، (۱۳۶۱)، «تطور تاریخنگاری در اسلام»، تاریخ‌نگاری در اسلام (مجموعه مقالات)، ترجمه یعقوب آژند تهران، نشر گستره.
- محمود عبداللایم، عبدالعزیز، (۱۹۹۶)، مصر فی عصر الممالیک و العثمانیین، مکتبه نهضه الشرق، جامع قاهره.

-- Donald P. Little, (1986), *Historiography of the Mamluks*, VARIORUM REPRINTS, London.

- Popper. W; "Abul Mahasan", EI, Vol. I, 1986.